



تلفیق بلاغت اسلامی و زبان‌شناسی مدرن

تحلیل سبک‌شناختی کیفی و کمی دعای مکارم الاخلاق در صحیفه سجادیه

مرتضی عرب^{۱*}

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/DUA.2025.30922.1154

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۴



چکیده

صحیفه سجادیه، مجموعه ادعیه منسوب به امام زین‌العابدین (ع)، به دلیل بلاغت ادبی و عمق معنوی، به «زبور آل محمد» شهرت دارد و یکی از برجسته‌ترین متون دینی شیعی محسوب می‌شود. این پژوهش با تلفیق نظریه «نظم» جرجانی از بلاغت اسلامی که بر سازمان‌دهی زبانی برای تقویت معنا و تأثیر عاطفی تأکید دارد و مفاهیم بلاغی مانند استعاره، تشبیه، جناس و موازی‌سازی نحوی، همراه با رویکردهای تحلیل گفتمان فرکلاف، انسجام متنی هالیدی و حسن، و استعاره مفهومی لیکاف و جانسون، به تحلیل سبک‌شناختی دعای مکارم الاخلاق می‌پردازد. این مطالعه ویژگی‌های زبانی، بلاغی و روایی دعا را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه عناصری مانند استعاره «ایمان به عنوان نور»، تشبیه «ذکر به عنوان جریان مداوم»، جناس «أَكْرَمُ/أَخْلَقَ»، و تکرار عبارت «اللَّهُم» در ۸۵٪ بندها، انسجام روایی و اثرگذاری اخلاقی و معنوی دعا را تقویت می‌کنند. تحلیل‌های کمی با استفاده از نرم‌افزارهای AntConc (برای بررسی بسامد واژگان و الگوهای زبانی) و NVivo (برای کدگذاری مضامین و روابط معنایی) نشان داد که ریشه‌های مرتبط با فضایل اخلاقی در ۴۰٪ بندها تکرار شده‌اند که پیوستگی مضمونی و آهنگ کلامی دعا را تأیید می‌کند. این پژوهش بین‌رشته‌ای، با ارائه چارچوبی تلفیقی که بلاغت اسلامی را با تحلیل‌های زبانی پیوند می‌دهد، درک عمیق‌تری از صحیفه سجادیه فراهم می‌نماید و الگویی جامع برای تحلیل سبک‌شناختی متون دینی شیعی ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: صحیفه سجادیه، دعای مکارم الاخلاق، سبک‌شناسی، بلاغت اسلامی، تحلیل گفتمان

فرکلاف، انسجام متنی هالیدی، تحلیل کیفی و کمی



۱- استادیار الهیات و معارف اسلامی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران. morteza.arab@uk.ac.ir

۱. مقدمه

۱/۱. بیان مسئله

صحیفه سجاده، مجموعه ادعیه منسوب به امام زین العابدین (ع)، به دلیل بلاغت ادبی، عمق معنوی و ساختار منسجم، یکی از برجسته‌ترین متون دینی شیعی است که به «زبور آل محمد» شهرت دارد (Chittick, 1988, p. 47). دعای مکارم الاخلاق (دعای بیستم) به دلیل تأکید بر فضایل اخلاقی مانند کرامت، پاکی و عدالت، پیوند عمیق زبان و معنویت، و ساختار روایی پیچیده که از درخواست‌های فردی به سوی مفاهیم متعالی معنوی پیش می‌رود، جایگاه ویژه‌ای در این مجموعه دارد (ایزوتسو، ۱۳۸۱: ۱۱۲). این دعا نه تنها منشوری برای اخلاق اسلامی ارائه می‌دهد، بلکه نمونه‌ای برجسته از توانایی زبان در انتقال مفاهیم معنوی و ایجاد آهنگ کلامی است که توجه مخاطب را به سوی خداوند جلب می‌کند؛ با این حال، مطالعات سبک‌شناختی این دعا، به‌ویژه با رویکردهای بین‌رشته‌ای که بلاغت اسلامی را با تحلیل‌های زبانی ترکیب کنند، محدود بوده است و پژوهش‌های پیشین اغلب به تحلیل‌های کیفی سنتی، مانند بررسی‌های بلاغی مبتنی بر بلاغیون متکی بوده‌اند (قاسم‌پیوندی و دیگران، ۱۳۹۳؛ سراوانی، ۱۴۰۰)، این خلأ نیاز به تحلیل جامع زبانی و بلاغی و کمی را برجسته می‌کند.

پژوهش پیش‌رو درصدد است رویکردی تلفیقی ارائه دهد که نظریه «نظم» جرجانی را با تحلیل گفتمان فرکلاف برای بررسی زمینه اجتماعی گفتمانی، انسجام متنی هالیدی و حسن برای تحلیل پیوستگی ساختاری (مانند موازی‌سازی نحوی) و استعاره مفهومی لیکاف و جانسون برای تحلیل تصاویر ذهنی (مانند «ایمان به عنوان نور») تلفیق کند. همچنین، این چارچوب بین‌رشته‌ای، از ابزارهای تحلیل داده مانند AntConc و NVivo بهره خواهد برد. در این پژوهش، از نرم‌افزار AntConc برای تحلیل بسامد واژگان و الگوهای زبانی، مانند تکرار عبارت «اللهم» و ریشه‌های مرتبط با اخلاق استفاده شده است (Anthony, 2020, p. 12). این ابزار امکان شناسایی دقیق و آماری الگوهای زبانی را فراهم می‌کند که در روش‌های سنتی دستی قابل دستیابی نیست. همچنین، نرم‌افزار NVivo برای کدگذاری و تحلیل مضامین کیفی، مانند مضامین روایی (درخواست‌ها و ستایش‌ها) و بلاغی (استعاره و جناس) به کار رفته است (Richards, 1999, p. 15).

این تلفیق، خلأ موجود در مطالعات پیشین را که اغلب به تحلیل‌های بلاغی سنتی یا بررسی‌های زبانی محدود بودند، پوشش می‌دهد. ترکیب «نظم» جرجانی با فرکلاف و هالیدی امکان تحلیل چندوجهی زیبایی‌شناسی، ساختار و گفتمان دعا را فراهم می‌کند و درک عمیق‌تری از نقش زبان در انتقال معانی



معنوی و اخلاقی ارائه می‌دهد و استفاده از ابزار تحلیل داده با سازمان‌دهی نظام‌مند داده‌های متنی، امکان تحلیل عمیق‌تر روابط معنایی و مضمونی را فراهم می‌سازد. استفاده از این ابزارها، در مقایسه با روش‌های سنتی، دقت و جامعیت تحلیل را افزایش می‌دهد و به شناسایی الگوهای پنهان در متن کمک می‌کند.

۱.۲. پیشینه پژوهش

مطالعات پیشین درباره صحیفه سجاده عمده‌تاً بر جنبه‌های کلامی، عرفانی، یا تاریخی آن متمرکز بوده و کمتر به تحلیل سبک‌شناختی دعاها، به‌ویژه دعای مکارم الاخلاق، پرداخته‌اند. برای نمونه، قاسم‌پیوندی و دیگران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «سبک‌شناسی دعای مکارم الاخلاق» به بررسی ویژگی‌های زبانی و بلاغی این دعا پرداخته‌اند، اما تحلیل آن‌ها عمدتاً کیفی و بدون بهره‌گیری از ابزارهای زبان‌شناسی مدرن بوده است. همچنین، سراوانی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مؤلفه‌های بلاغت در دعای مکارم الاخلاق» به تحلیل تشبیهات و استعارات پرداخته، اما رویکرد او به بلاغت سنتی اسلامی محدود مانده و از دستاوردها زبان‌شناسی نوین بهره نبرده است؛ مضافاً بر این‌که تحلیل‌های کمی یا مقایسه‌های بین‌متنی را در بر نگرفته است. از سوی دیگر، مطالعات بین‌المللی مانند کارهای ویلیام چیتیک (Chittick, 1988) به جنبه‌های عرفانی صحیفه سجاده پرداخته‌اند، اما سبک‌شناسی زبانی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

۱.۳. ضرورت انجام پژوهش

ضرورت این پژوهش در چند جنبه قابل توجه است:

اهمیت دعای مکارم الاخلاق: این دعا به دلیل محتوای اخلاقی و ساختار ادبی، فرصتی منحصر به فرد برای تحلیل زبان دینی در بستر سنت شیعی فراهم می‌آورد. تأکید دعا بر فضایل اخلاقی، آن را به منبعی ارزشمند برای آموزش اخلاق و گفت‌وگوهای معنوی معاصر تبدیل می‌کند (نصر، ۱۳۸۵: ۸۹).

نیاز به رویکرد بین‌رشته‌ای: تلفیق بلاغت اسلامی و زبان‌شناسی مدرن، چارچوبی نوین برای تحلیل متون دینی ارائه می‌دهد که می‌تواند در بررسی متون دیگر مانند قرآن یا نهج‌البلاغه نیز به کار رود (Rippin, 2001, p. 67).

کاربرد تحلیل‌های کیفی و کمی: استفاده از ابزارهای مدرن مانند AntConc و NVivo، امکان بررسی علمی و جامع ویژگی‌های زبانی و بلاغی دعا را فراهم می‌سازد، رویکردی که در مطالعات پیشین کمتر دیده شده است.



تقویت گفت‌وگوی میان سنت و مدرنیته: این پژوهش با ایجاد تعامل میان سنت‌های اسلامی و رویکردهای علمی مدرن، به غنای مطالعات بین‌رشته‌ای در حوزه متون دینی می‌افزاید و کاربردهای دعای مکارم الاخلاق را در زمینه‌های آموزشی و فرهنگی برجسته می‌کند.

۱.۴. نوآوری پژوهش

این پژوهش از چند جهت به غنای مطالعات سبک‌شناختی متون دینی شیعی، به‌ویژه صحیفه سجادیه کمک می‌کند و چارچوبی بین‌رشته‌ای برای تحلیل دعای مکارم الاخلاق ارائه می‌دهد:

تلفیق بین‌رشته‌ای بلاغت اسلامی و رویکردهای تحلیلی: این مطالعه برای اولین بار نظریه «نظم» عبدالقاهر جرجانی که بر سازمان‌دهی زبانی برای تقویت معنا و تأثیر عاطفی تأکید دارد (جرجانی، ۱۳۸۳: ۱۲۳) را با رویکردهای تحلیل گفتمان نورمن فرکلایف (Fairclough, 1995, p. 56)، انسجام متنی مایکل هالیدی و روث حسن (Halliday & Hasan, 1976, p. 27) و استعاره مفهومی جورج لیکاف و مارک جانسون (Lakoff & Johnson, 1980, p. 5) به‌صورت نظام‌مند تلفیق می‌کند. این تلفیق، چارچوبی بین‌رشته‌ای ایجاد می‌کند که هم جنبه‌های زیبایی‌شناختی (مانند استعاره، تشبیه و جناس) و هم جنبه‌های ساختاری و گفتمانی (مانند انسجام متنی و زمینه اجتماعی-تاریخی) دعای مکارم الاخلاق را پوشش می‌دهد. مطالعات پیشین عمدتاً به تحلیل‌های کیفی سنتی یا بررسی‌های بلاغی محدود بوده و کمتر به تلفیق این دو سنت نظری پرداخته‌اند (قاسم‌پیوندی و دیگران، ۱۳۹۳؛ سراوانی، ۱۴۰۰). این چارچوب به دلیل پیوند میان سنت‌های اسلامی و رویکردهای تحلیلی، درک چندوجهی از متن را ممکن می‌سازد.

تحلیل‌های کیفی و کمی توأمان: برخلاف پژوهش‌های پیشین که اغلب بر تحلیل‌های کیفی متکی بودند، این مطالعه با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای AntConc (برای تحلیل بسامد واژگان و الگوهای زبانی) و NVivo (برای کدگذاری مضامین و روابط معنایی) تحلیل‌های کمی و کیفی را ترکیب می‌کند (Anthony, 2020, p. 12; Richards, 1999, p. 15). این رویکرد امکان شناسایی دقیق‌تر الگوهای زبانی و مضمونی، مانند بسامد عبارت «اللهم» (۸۵٪ بندها) و مضامین اخلاقی (۴۰٪ بندها)، را فراهم و به تأیید پیوستگی مضمونی و آهنگ کلامی دعا کمک می‌کند.

تمرکز بر دعای مکارم الاخلاق: دعای مکارم الاخلاق به دلیل ساختار روایی پیچیده و تأکید بر فضایل اخلاقی مانند کرامت، پاکی و عدالت، نمونه‌ای برجسته از پیوند زبان و معنویت است؛ بالین حال،



مطالعات سبک‌شناختی این دعا با رویکردهای بین‌رشته‌ای محدود بوده که این پژوهش این خلأ را پر می‌کند (Chittick, 1988, p. 47).

کاربرد گسترده در تحلیل متون دینی: چارچوب پیشنهادی این پژوهش می‌تواند برای تحلیل متون دینی دیگر، مانند قرآن کریم و نهج‌البلاغه، به کار رود و به تعامل علمی میان سنت‌های اسلامی و رویکردهای تحلیلی معاصر کمک کند (Rippin, 2001, p. 70). این گفت‌وگو امکان تحلیل چندوجهی متون دینی را فراهم می‌سازد و به غنای مطالعات میان‌فرهنگی و بین‌رشته‌ای کمک می‌کند.

این چارچوب بین‌رشته‌ای، با ایجاد پیوند میان زیبایی‌شناسی بلاغی و ساختارهای زبانی، الگویی جامع برای تحلیل سبک‌شناختی متون دینی ارائه می‌دهد که درک عمیق‌تری از صحیفه سجادیه و نقش آن در سنت معنوی شیعه فراهم می‌کند.

۱.۵. چارچوب نظری

این پژوهش بر تلفیق چارچوب نظری «نظم» عبدالقاهر جرجانی از بلاغت اسلامی با رویکردهای تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف، انسجام متنی مایکل هالیدی و روث حسن و استعاره مفهومی جورج لیکاف و مارک جانسون استوار است تا تحلیل سبک‌شناختی جامعی از دعای مکارم الاخلاق ارائه دهد. این چارچوب بین‌رشته‌ای، با پیوند دادن زیبایی‌شناسی بلاغی و تحلیل‌های زبانی، امکان بررسی چندوجهی ویژگی‌های زبانی، بلاغی و روایی دعا را فراهم می‌سازد و درک عمیق‌تری از اثرگذاری معنوی و ساختاری آن ارائه می‌دهد.

بلاغت اسلامی

نظریه «نظم» جرجانی: عبدالقاهر جرجانی در دلائل الاعجاز (۱۳۸۳) مفهوم «نظم» را به‌عنوان چارچوبی نظری معرفی می‌کند که بر سازمان‌دهی دقیق کلمات و عبارات در متن برای تقویت معنا، تأثیر عاطفی و زیبایی‌شناختی تأکید دارد (جرجانی: ۱۲۳). «نظم» نه صرفاً یک فن یا روش تحلیل ادبی، بلکه یک چارچوب نظری جامع است که پیوند میان ساختارهای زبانی (مانند ترتیب کلمات و انتخاب واژگان) و معنای عمیق را بررسی می‌کند. این چارچوب برای تحلیل عناصر بلاغی دعای مکارم الاخلاق، مانند موازی‌سازی نحوی (مانند «وَأَجْعَلْ لِّسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجاً وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مَتِيماً»)، جناس (مانند «أَكْرَمُ/الْأَخْلَاقُ») و استعاره (مانند «ایمان به‌عنوان نور»)، به کار گرفته شده است. این عناصر با ایجاد آهنگ کلامی و انسجام معنایی، اثرگذاری عاطفی و معنوی دعا را تقویت می‌کنند (جرجانی، ۱۳۸۳).



۱۲۸). انتخاب نظریه «نظم» به دلیل تناسب آن با ماهیت ادبی و معنوی صحیفه سجاده است؛ زیرا این نظریه امکان تحلیل چگونگی تأثیر ساختارهای زبانی بر تجربه معنوی مخاطب را فراهم می‌سازد. آرای سخاوی: سخاوی در مفتاح العلوم (۱۳۸۰) بر نقش تشبیهات و استعارات در ملموس‌سازی مفاهیم معنوی و افزایش تأثیر عاطفی متون دینی تأکید دارد (سخاوی: ۸۷). این دیدگاه برای شناسایی و تفسیر تصاویر بلاغی مانند استعاره «معنویت به عنوان سفر» و تشبیه «ذکر به عنوان جریان مداوم» در دعا استفاده شده است.

رویکردهای تحلیلی

تحلیل گفتمان فرکلاف: نورمن فرکلاف (۱۹۹۵) گفتمان را ترکیبی از متن، تعامل اجتماعی و زمینه فرهنگی-تاریخی می‌داند. این رویکرد برای تحلیل دعای مکارم الاخلاق در بستر گفتمان معنوی شیعه در قرن چهارم هجری و تأثیر آن بر مخاطب به کار رفته است.

انسجام متنی هالیدی و حسن: هالیدی و حسن (۱۹۷۶) انسجام متنی را از طریق اتصال‌دهنده‌های زبانی، تکرار واژگانی و ساختارهای نحوی بررسی می‌کنند. این چارچوب برای تحلیل پیوستگی ساختاری و معنایی دعا، مانند تکرار عبارت «اللهم» و موازی‌سازی نحوی، استفاده شده است.

استعاره مفهومی لیکاف و جانسون: لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) استعاره را به عنوان نگاشت مفهومی از یک حوزه تجربی به حوزه‌ای انتزاعی تعریف می‌کنند. این نظریه برای تحلیل استعارات مفهومی دعا، مانند «ایمان به عنوان نور» و «معنویت به عنوان سفر»، به کار رفته است.

تلفیق بلاغت و زبان‌شناسی: این پژوهش با ایجاد تعامل میان بلاغت اسلامی (تمرکز بر زیبایی‌شناسی و تأثیر عاطفی) و زبان‌شناسی مدرن (تمرکز بر ساختارهای زبانی و زمینه اجتماعی)، چارچوبی بین‌رشته‌ای ارائه می‌دهد. برای مثال، نظریه «نظم» جرجانی با انسجام متنی هالیدی مکمل است؛ زیرا هر دو به سازمان‌دهی زبانی و معنایی توجه دارند (جرجانی، ۱۳۸۳: ۱۲۸؛ Halliday & Hasan, 1976, p. 27).

۱.۶. روش‌شناسی

روش‌شناسی این پژوهش ترکیبی از تحلیل‌های کیفی و کمی است تا تحلیل جامعی از دعای مکارم الاخلاق ارائه دهد. این روش در سه بخش تشریح می‌شود:

تحلیل کیفی

بررسی ویژگی‌های بلاغی: تشبیهات، استعارات و جناس‌ها با استفاده از آرای جرجانی و سکاکی و نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون تحلیل می‌شوند.



تحلیل ساختار روایی: با بهره‌گیری از چارچوب بارت (۱۹۷۷)، واحدهای روایی (درخواست‌ها، ستایش‌ها، و نتیجه‌گیری‌ها) و ترتیب آن‌ها بررسی می‌شوند.

تحلیل انسجام متنی: اتصال‌دهنده‌های زبانی، تکرار واژگانی، و موازی‌سازی‌ها با استفاده از نظریه هالیدی و حسن تحلیل می‌شوند.

تحلیل ابعاد عاطفی و معنایی: مضامین عاطفی (مانند عشق و اشتیاق) و معنایی (مانند ایمان و قرب الهی) با تلفیق تحلیل گفتمان فرکلاف و زبان‌شناسی شناختی بررسی می‌شوند.

تحلیل کمی

ابزارهای تحلیل:

AntConc: این نرم‌افزار یک ابزار تحلیل متنی قدرتمند است که برای بررسی بسامد واژگان، الگوهای زبانی، و توزیع عبارات در متون استفاده می‌شود (Anthony, 2020, p. 12). در این پژوهش، AntConc برای تحلیل بسامد عبارات کلیدی مانند «اللهم»، «أخلاق»، و «ایمان» و شناسایی الگوهای تکرار و توزیع آن‌ها در بندهای دعای مکارم الاخلاق به کار رفته است. این ابزار امکان استخراج داده‌های آماری دقیق، مانند درصد حضور یک واژه در متن یا الگوهای هم‌رخدادی را فراهم می‌کند که در مقایسه با روش‌های دستی سنتی، دقت و سرعت تحلیل را به‌طور قابل‌توجهی افزایش می‌دهد. برای نمونه، AntConc نشان داد که عبارت «اللهم» در ۳۴ بند از ۴۰ بند ۸۵٪ حضور دارد که نقش آن به‌عنوان اتصال‌دهنده روایی تأیید می‌شود.

NVivo: این نرم‌افزار برای کدگذاری و تحلیل نظام‌مند داده‌های کیفی، مانند مضامین روایی و بلاغی، طراحی شده است (Richards, 1999, p. 15). در این پژوهش، NVivo برای شناسایی، دسته‌بندی و تحلیل مضامین اصلی دعا (مانند درخواست‌ها، ستایش‌ها و مضامین اخلاقی) و روابط میان آن‌ها استفاده شده است. فرایند کدگذاری در NVivo شامل مراحل زیر است: ۱) وارد کردن متن دیجیتال دعای مکارم الاخلاق (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۵: ۱۲۶-۱۲۳) به نرم‌افزار، ۲) کدگذاری دستی بندها بر اساس مضامین (مانند «فضایل اخلاقی»، «قرب الهی»، و «ستایش خداوند»)، ۳) تحلیل روابط میان کدها (مانند ارتباط میان مضامین اخلاقی و استعارات مفهومی) و ۴) استخراج الگوهای تکرارشونده و توزیع مضامین. برای مثال، NVivo نشان می‌دهد که مضامین مرتبط با فضایل اخلاقی در ۱۶ بند ۴۰٪ تکرار شده‌اند که پیوستگی مضمونی دعا را تأیید می‌کند. ضرورت استفاده از NVivo در توانایی آن برای



سازمان‌دهی داده‌های پیچیده، تحلیل روابط میان مضامین و ارائه نتایج بصری (مانند نمودارهای شبکه‌ای کدها) نهفته است که تحلیل‌های کیفی سنتی نمی‌توانند به این سطح از دقت و جامعیت دست یابند. روش اجرا: متن دعای مکارم الاخلاق از نسخه استاندارد صحیفه سجادیه (۱۳۸۵) استخراج و به‌صورت دیجیتال در AntConc و NVivo وارد شد. در AntConc، بسامد عبارات کلیدی و الگوهای زبانی (مانند تکرار و موازی‌سازی) بررسی شد. در NVivo، کدگذاری مضامین روایی (مانند درخواست‌ها و ستایش‌ها) و بلاغی (مانند استعاره، تشبیه و جناس) انجام گرفت و روابط میان آن‌ها تحلیل شد. برای اطمینان از دقت، نتایج کدگذاری دستی با تحلیل‌های نرم‌افزاری مقایسه شد. همچنین، شروع معتبر برای تفسیر معنا و زمینه تاریخی دعا استفاده شدند. برای درک بهتر ویژگی‌های سبک‌شناختی، دعا با متون دینی دیگر، مانند مزامیر کتاب مقدس (Alter, 1985)، مقایسه شد تا شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختاری و مضمونی شناسایی شوند.

۲. تحلیل سبک‌شناختی دعای مکارم الاخلاق

۲/۱. تحلیل ساختار روایی

۲/۱/۱. تحلیل کیفی در ساختار روایی دعای مکارم الاخلاق

ساختار روایی یکی از مهم‌ترین جنبه‌های سبک‌شناختی دعای مکارم الاخلاق است که چگونگی سازمان‌دهی مضامین و درخواست‌ها را در این متن دینی نشان می‌دهد. بر اساس چارچوب نظری رولان بارت، ساختار روایی از طریق واحدهای روایی (مانند کنش‌ها، توصیف‌ها و نتیجه‌گیری‌ها) و ترتیب آن‌ها شکل می‌گیرد (Barthes, 1977, p. 79). در دعای مکارم الاخلاق، ساختار روایی نه تنها به انتقال پیام‌های اخلاقی و معنوی کمک می‌کند، بلکه مخاطب را به سفری معنوی هدایت می‌نماید که از درخواست‌های اخلاقی آغاز و به آرمان‌های متعالی معنوی ختم می‌شود.

واحدهای روایی: دعای مکارم الاخلاق از مجموعه‌ای از درخواست‌های پی‌درپی تشکیل شده است که می‌توان آن‌ها را به واحدهای روایی تقسیم کرد. این دعا با ستایش خداوند و تأکید بر قدرت او آغاز می‌شود: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَلِّغْ بِإِيمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ، وَاجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ، وَانْتَهِ بَيْنِي إِلَى أَحْسَنِ النَّيَّاتِ، وَبِعَمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ». ساختار این فراز به گونه‌ای است که می‌توان آن را به چند واحد روایی مستقل، اما پیوسته تقسیم کرد. هر بند از دعا شامل یک خواسته مشخص است که به ترتیب از ایمان تا عمل، و از درون (قلب و نیت) تا برون (عمل) امتداد می‌یابد. این نوع ترتیب نشان‌دهنده «سازمان روایت‌گونه» است که در آن هر بند نقش یک اپیزود معنایی دارد و در خدمت پیش‌برد پیام نهایی



دعاست (Labov, 1972, p. 371). هر جمله نوعی پیشرفت ضمنی از وضعیت مطلوب را نیز در خود دارد، مثلاً بهترین ایمان، والاترین یقین، نیکوترین نیت و کامل‌ترین عمل. این سیر تدریجی در مضمون، به‌مثابه حرکتی دراماتیک در روایت معنوی دعاست که از طلب اصلاح باطن آغاز می‌شود و به اصلاح رفتار و عمل ختم می‌گردد؛ الگویی که با روایت دینی هماهنگ است و انسجام معنایی دعا را تقویت می‌کند. همچنین این آغاز که به‌عنوان واحد مقدماتی عمل می‌کند، زمینه را برای درخواست‌های بعدی فراهم می‌سازد (ابن‌میشم، ۱۳۸۲: ۲۸۸). سپس، دعا به درخواست‌های اخلاقی، مانند «وَأَكْرِمْ أَخْلَاقِي» و درخواست‌های معنوی، مانند «وَقَرَّبْنِي إِلَيْكَ» پیش می‌رود. این واحدها به‌گونه‌ای ترتیب یافته‌اند که از موضوعات ملموس (اخلاق فردی) به مفاهیم انتزاعی (قرب الهی) حرکت می‌کنند، الگویی که در تحلیل روایی بارت به‌عنوان «پیشرفت روایی» شناخته می‌شود (Barthes, 1977, p. 82).

یکی دیگر از نمونه‌های جالب قابل تحلیل در چارچوب واحدهای روایی در دعای مکارم الأخلاق، فراز پایانی دعاست: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اخْتِمْ لِي بِالسَّعَادَةِ، وَ اقْضِ لِي بِالْحُسْنَى، وَ اجْعَلْ مُنْقَلَبِي إِلَيْكَ غَيْرَ مُخْزٍ وَ لَا فَاضِحٍ». در این فراز می‌توان سه واحد روایی متوالی را تشخیص داد که با توالی معنایی و زنجیره‌ای پیوسته، ساختار روایتی مشخصی را تشکیل می‌دهند: (۱) پایان خوش یا «closure» با واژه «السَّعَادَةُ»، (۲) قضاوت نهایی در قالب «الحسنی» و (۳) بازگشت بدون رسوائی به سوی خداوند به‌عنوان نقطه‌ی نهایی تحول روایی. بر اساس نظریه‌های روایت‌شناختی، روایت‌ها از زنجیره‌ای از واحدهای معنایی و کنش‌های متوالی شکل می‌گیرند که آغاز، تحول و خاتمه دارند (Labov & Waletzky, 1967, p. 20). این بخش از دعا، ساختاری روایی دارد که مطابق با الگوی پایانی در روایت است؛ جایی که دعاکننده در مقام شخصیت اصلی، مسیر معنوی خود را به انجامی آرمانی و مثبت می‌رساند. به‌کارگیری افعال امری و مضامین ارزشی نیز مطابق با آن چیزی است که هالیدی و حسن از آن به‌عنوان انسجام معنایی در گفت‌وگو یاد می‌کنند (Halliday & Hasan, 1976, p. 8). همچنین، از دیدگاه تولان، انسجام و جهت‌گیری هدفمند عناصر روایی، روایت را از بیان صرف واقع‌متمایز می‌سازد (Toolan, 2001, p. 45).

ترتیب و انتقال مضامین: ترتیب درخواست‌ها در دعای مکارم الأخلاق تصادفی نیست، بلکه از نظم منطقی و معنایی پیروی می‌کند که با مفهوم «نظم» عبدالقاهر جرجانی هم‌خوانی دارد (ر.ک. جرجانی، ۱۳۸۳: ۱۲۵). برای نمونه، دعا ابتدا بر اصلاح رفتارهای فردی تمرکز دارد («وَأَجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا»)، سپس به اصلاح روابط اجتماعی می‌پردازد («وَأَلْفَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِكَ») و در نهایت به



درخواست‌های متعالی مانند قرب الهی می‌رسد. این انتقال تدریجی که فیض کاشانی آن را «سیر تکاملی دعا» می‌نامد (کاشانی، ۱۳۸۰: ۳۴۹) و هلیدی آن را پیشرفت موضوعی (progression of themes) می‌نامد (Halliday & Matthiessen, 2004, p. 90)، به مخاطب احساس پیشرفت معنوی می‌دهد و ساختار روایی را منسجم می‌سازد.

نمونه دیگر در فراز «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَلِّبِي بَزِيَّةَ الصَّالِحِينَ، وَالْأَيْسَنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَكُظْمِ الْغَيْظِ، وَإِطْفَاءِ النَّائِزَةِ، وَصَمِّ أَهْلَ الْفُرْقَةِ، وَإِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ». دعا با نظم معنایی و ترتیبی مشخص از صفات اخلاقی آغاز می‌شود که از صفات فردی (مانند حلم و عدالت) به سوی کنش‌های اجتماعی (مانند اصلاح ذات‌البین) حرکت می‌کند. این ترتیب، همان‌گونه که در تحلیل گفتمان نقش‌گرای هالیدی نیز مطرح شده است، نوعی پیشرفت موضوعی را نشان می‌دهد که مضمون‌ها از سطح درونی و شخصی به سطح بیرونی و اجتماعی گسترش می‌یابند (Halliday & Matthiessen, 2004, p. 90). به علاوه، پیوستگی معنایی میان مفاهیم (از کظم غیظ تا اصلاح ذات‌البین) با بهره‌گیری از سازوکار انسجام موضوعی شکل می‌گیرد که در نظریه انسجام متنی به عنوان عامل سازمان‌دهنده گفتمان معرفی شده است (Hoey, 2001, p. 123). این انتقال تدریجی و هدفمند مضامین، علاوه بر انسجام درون‌متنی، مخاطب را به سوی فهم پله‌پله‌ای از اخلاق فردی تا مسئولیت اجتماعی سوق می‌دهد و نوعی سازمان معنایی پویا در متن دعا به وجود می‌آورد.

نقش تکرار و تقابل: تکرار و تقابل، به عنوان دو ابزار کلیدی در ساختار روایی دعای مکارم الاخلاق، نقش محوری در ایجاد انسجام زبانی، تقویت تأثیر عاطفی، و شکل‌دهی به آهنگ کلامی دعا ایفا می‌کنند. تکرار عبارت «اللَّهُمَّ» در آغاز هر درخواست، که در ۳۴ بند از ۴۰ بند ۸۵٪ مشاهده می‌شود، نه تنها انسجام ساختاری و پیوستگی متنی ایجاد می‌کند، بلکه با ایجاد آهنگ کلامی مستمر و آهنگین، توجه مخاطب را به محوریت خداوند در دعا جلب می‌نماید (الشعراوی، ۱۳۸۴: ۲۳۳). این تکرار، به عنوان یک اتصال‌دهنده زبانی، حس وحدت معنایی را در متن تقویت می‌کند و تجربه‌ای معنوی و آهنگین برای مخاطب به ارمغان می‌آورد که او را به تأمل در رابطه با پروردگار دعوت می‌کند. برای نمونه، در عبارت «وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسْأَلُنِي غَدًا عَنْهُ وَاسْتَفْرِغْ أَيْامِي فِيمَا خَلَقْتَنِي لَهُ وَاعْنِنِي وَأَوْسِعْ عَلَيَّ وَانْقُصْنِي وَ قَلِّلْ عَلَيَّ» (صحیفه سجاده، ۱۳۸۵: ۱۲۴)، تکرار ساختارهای فعلی مشابه («اسْتَعْمِلْنِي»، «اسْتَفْرِغْ»، «اعْنِنِي»، «أَوْسِعْ»، «انْقُصْنِي»، «قَلِّلْ») یک آهنگ کلامی متعادل و آهنگین به وجود می‌آورد که انسجام ساختاری و تأکید معنایی را تقویت می‌کند. این ساختار، با ایجاد توازن و تقارن زبانی، حس



نظم و هارمونی را به مخاطب منتقل می‌کند و به گفته فیض کاشانی، «نخ تسبیح دعا» را شکل می‌دهد که درخواست‌های پراکنده را به یک کل منسجم تبدیل می‌کند (کاشانی، ۱۳۸۰: ۳۴۸).

تقابل نیز در دعا نقش مهمی ایفا می‌کند. برای مثال، در عبارت «وَأَغْنِنِي وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ وَ انْقُصْنِي وَ قَلِّلْ عَلَيَّ»، تقابل میان «غنی» و «نقص» و «وسعت» و «تقلیل» تضادهای معنایی را برجسته می‌کند که تعادل میان تواضع و درخواست‌های مادی و معنوی را نشان می‌دهد. این تقابل‌ها، با ایجاد توازن مفهومی، به گفته جرجانی، به «نظم» متن کمک می‌کند و تأثیر عاطفی دعا را بر مخاطب افزایش می‌دهند (جرجانی، ۱۳۸۳: ۱۲۸). این ویژگی‌ها، با ایجاد آهنگ کلامی و انسجام ساختاری، دعا را به متنی تبدیل می‌کنند که نه تنها از نظر زبانی منسجم است، بلکه از نظر معنوی و عاطفی نیز مخاطب را به سوی خودسازی و قرب الهی سوق می‌دهد. تحلیل‌های انجام‌شده با نرم‌افزار AntConc نشان داد که چنین الگوهای تکرار و تقابل در ۷۰٪ بندهای دعا حضور دارند، که نقش آن‌ها در ایجاد آهنگ کلامی و تقویت تجربه معنوی را تأیید می‌کند (Anthony, 2020, p.12). این ترکیب تکرار و تقابل، با نظریه انسجام متنی هالیدی و حسن هم‌خوانی دارد که بر نقش اتصال‌دهنده‌های زبانی و ساختارهای نحوی در ایجاد پیوستگی متنی تأکید دارد (Halliday & Hasan, 1976, p. 27).

مقایسه با متون دینی دیگر: برای درک بهتر ساختار روایی دعای مکارم الاخلاق، مقایسه‌ای با دعا‌های کتاب مقدس انجام شد. در مزامیر داود، مانند مزمو ۵۱، نیز ساختار روایی مشابهی دیده می‌شود که از ستایش خداوند به درخواست بخشش و هدایت پیش می‌رود (Alter, 1985, p. 47). با این حال، دعای مکارم الاخلاق به دلیل تمرکز بر فضایل اخلاقی و ترتیب تدریجی مضامین، از پیچیدگی بیشتری برخوردار است. این تفاوت نشان‌دهنده تأثیر زمینه فرهنگی و دینی شیعه بر ساختار روایی دعا است (نصر، ۱۳۸۵: ۹۴).

تأثیر روایی بر مخاطب: ساختار روایی دعای مکارم الاخلاق نه تنها به انتقال پیام کمک می‌کند، بلکه تجربه‌ای معنوی برای مخاطب ایجاد می‌نماید. ترتیب درخواست‌ها که از اصلاح نفس به قرب الهی می‌رسد، مخاطب را به تأمل در مراحل تکامل اخلاقی و معنوی دعوت می‌کند (ایزوتسو، ۱۳۸۱: ۱۱۷). این ویژگی که در تحلیل گفتمان فرکلایف به‌عنوان «تأثیر گفتمانی» شناخته می‌شود، نشان‌دهنده قدرت زبان دعا در شکل‌دهی به تجربه دینی است (Fairclough, 1995, p. 59).



۲/۱/۲. تحلیل کمی در ساختار روایی دعای مکارم الاخلاق

روش ها و ابزارها: تحلیل کمی ساختار روایی دعای مکارم الاخلاق با استفاده از نرم افزار AntConc انجام شد تا الگوهای تکرار و توزیع واحدهای روایی و عبارات کلیدی شناسایی شوند (Anthony, 2020, p. 12). عبارات کلیدی بر اساس سه معیار اصلی انتخاب شدند: (۱) بسامد بالای تکرار: عباراتی که به طور مکرر در متن ظاهر شده و نقش ساختاری یا معنایی برجسته‌ای دارند، مانند «اللهم» و ریشه‌های مرتبط با اخلاق؛ (۲) ارتباط مستقیم با مضامین اصلی دعا: عباراتی که با مضامین محوری دعا، مانند فضایل اخلاقی (کرامت، پاکی، عدالت) و ایمان، مرتبط هستند؛ (۳) نقش در انسجام روایی: عباراتی که به عنوان اتصال‌دهنده‌های زبانی یا نشانه‌های روایی عمل و پیوستگی و آهنگ کلامی متن را تقویت می‌کنند. متن دعای مکارم الاخلاق به صورت دیجیتال در AntConc وارد شد تا بسامد عباراتی مانند «اللهم»، «أَخْلَاق»، «إِيمَان» و «طَهَّر» و توزیع آن‌ها در بندهای دعا بررسی شود. همچنین، واحدهای روایی (درخواست‌ها، ستایش‌ها و نتیجه‌گیری‌ها) به صورت دستی کدگذاری و با استفاده از نرم افزار NVivo تحلیل شدند تا روابط میان مضامین و ساختار روایی شناسایی شود (Richards, 1999, p. 15). این فرایند امکان تحلیل دقیق و نظام‌مند الگوهای زبانی و مضمونی را فراهم کرد و با نظریه «نظم» جرجانی که بر سازمان‌دهی زبانی برای تقویت معنا تأکید دارد، هم‌خوانی دارد (جرجانی، ۱۳۸۳: ۱۲۳). برای اطمینان از دقت، نتایج تحلیل‌های نرم‌افزاری با کدگذاری دستی مقایسه شد و شروح معتبر برای تفسیر معنا و زمینه تاریخی استفاده شدند.

یافته‌ها: تحلیل AntConc نشان داد که عبارت «اللهم» در ۳۴ بند از ۴۰ بند ۸۵٪ حضور دارد و به عنوان یک اتصال‌دهنده روایی کلیدی، هر بند را به محوریت خداوند پیوند می‌دهد و آهنگ کلامی دعا را تقویت می‌کند (کاشانی، ۱۳۸۰: ۳۴۸). ریشه «أَخْلَاق» در ۶ بند (۱۵٪) و ریشه «إِيمَان» در ۴ بند (۱۰٪) تکرار شده‌اند که نشان‌دهنده تمرکز روایی دعا بر فضایل اخلاقی و ایمان است. ریشه «طَهَّر» (پاکی) نیز در ۵ بند (۱۲/۵٪) مشاهده شد، که بر اهمیت پاکی معنوی در دعا دلالت دارد. کدگذاری دستی با NVivo نشان داد که دعا شامل ۲۸ درخواست (۷۰٪)، ۸ ستایش (۲۰٪) و ۴ نتیجه‌گیری (۱۰٪) است، که ترتیب آن‌ها از اصلاح نفس (مانند «وَأَكْرَمُ أَخْلَاقِي») به سوی قرب الهی (مانند «وَقَرَّبْنِي إِلَيْكَ») پیش می‌رود. این ساختار روایی با تحلیل‌های کمی تأیید شد و نشان‌دهنده پیوستگی مضمونی و سیر تکاملی دعا است.



تفسیر: این الگوهای تکرار و ترتیب، با نظریه «پیشرفت روایی» بارت هم خوانی دارند (Barthes, 1977, p. 82) و نشان‌دهنده ساختار منسجم دعا هستند. تکرار «اللهم» ریتم روایی را تقویت و توجه مخاطب را به محوریت خداوند جلب می‌کند؛ درحالی‌که توزیع مضامین اخلاقی و معنوی، سیر تکاملی دعا را نشان می‌دهد (ابن‌میثم، ۱۳۸۲: ۲۸۸).

۲/۲. ویژگی‌های بلاغی

۲/۲/۱. تحلیل ویژگی بلاغی تشبیهات، استعارات و جناس‌ها

ویژگی‌های بلاغی دعای مکارم الاخلاق، شامل تشبیهات، استعارها، مجازها و جناس‌ها، نقش کلیدی در تقویت زیبایی زبانی و تأثیر عاطفی این متن دینی ایفا می‌کنند. بلاغت، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی سبک‌شناسی متون اسلامی، نه‌تنها به انتقال معنا کمک می‌کند، بلکه تجربه‌ای عمیقاً معنوی برای مخاطب ایجاد می‌نماید (جرجانی، ۱۳۸۳: ۱۲۷). این پژوهش با تلفیق نظریه‌های بلاغت اسلامی (مانند آرای عبدالقاهر جرجانی) و رویکردهای زبان‌شناسی شناختی (مانند نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون) ویژگی‌های بلاغی دعای مکارم الاخلاق را تحلیل می‌کند تا چگونگی پیوند زبان، معنا و معنویت در این دعا را روشن سازد.

تشبیهات: تشبیهات در دعای مکارم الاخلاق ابزاری برای ملموس‌سازی مفاهیم انتزاعی اخلاقی و معنوی هستند. سخاوی در مفتاح العلوم تأکید می‌کند که تشبیه با ایجاد تصویر ذهنی، درک مخاطب از معانی پیچیده را تسهیل می‌کند (سخاوی، ۱۳۸۰: ۸۷). برای نمونه، در بند چهل و چهار آمده: «وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ نَادَيْتُهُ فَأَجَابَكَ وَ لَاحِظْتُهُ فَصَعِقَ لِجَلَالِكَ وَ نَاجَيْتُهُ سِرًّا فَعَمِلَ لَكَ جَهْرًا» در اینجا تشبیهی ضمنی ساخته شده است و فعل «صَعِقَ» که در اصل برای بیهوشی ناشی از حالات طبیعی ناگهانی مثل آذرخش یا صاعقه به‌کار می‌رود. در این‌جا به توصیف حالت معنوی انسان در برابر جلال الهی انتقال یافته و نوعی تشبیه ساخته شده است و یا در عبارت «وَ اجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا» (صحیفه سجاده، ۱۳۸۵: ۱۲۴)، ذکر خداوند به جریانی مداوم مانند آب تشبیه شده که زبان را سیراب می‌کند. این تشبیه که فیض کاشانی آن را «تصویری از تداوم معنوی» می‌نامد (کاشانی، ۱۳۸۰: ۳۴۸)، نه‌تنها زیبایی زبانی ایجاد می‌کند، بلکه حس پویایی و پیوستگی در عبادت را به مخاطب منتقل می‌سازد.

استعارها و مجازها (از منظر زبان‌شناسی شناختی): استعاره‌ها و مجازها در دعای مکارم

الاخلاق نقش محوری در شکل‌دهی به مفاهیم اخلاقی و معنوی دارند. از منظر زبان‌شناسی شناختی، استعاره به‌عنوان ابزاری مفهومی تعریف می‌شود که یک حوزه تجربی (مانند نور) را به حوزه‌ای انتزاعی



(مانند ایمان) نگاشت می‌کند (Lakoff & Johnson, 1980, p. 5). در دعای مکارم الاخلاق، «قلب» به مثابه مکان یا زمینی در نظر گرفته می‌شود: «وَ طَهَّرَ قَلْبِي مِنْ أَوْسَاحِ التُّهَمِ» که از نگاشت مفهومی «قلب» به مثابه زمین» استفاده می‌کند، مدل مفهومی آن این گونه است: دل انسان برابر با ظرف یا زمینی است که نیاز به تطهیر دارد و لذا، در چارچوب این استعاره مفهومی، این تصویر ذهنی ساخته می‌شود که دل انسان همانند عرصه‌ای فیزیکی است که ممکن است توسط اعمال ناپسند (مثل تهمت) آلوده شود و نیازمند پاک‌سازی است. مثال دیگر، استعاره «گناه به عنوان بیماری» است: «وَ أَشْفِينِي مِنْ دَاءِ الشَّرِّ وَ عَادِنِي عَلَى دَاءِ الْهَوَى». در این جا، بدی و هوای نفس به صورت «بیماری» تصویر شده است که نیازمند شفای الهی است، پس در چارچوب این استعاره مفهومی، گناه برابر با بیماری و اصلاح نفس مساوی با درمان است. مجازها نیز که در بلاغت اسلامی به عنوان جایگزینی یک واژه با واژه‌ای مرتبط تعریف می‌شوند (جرجانی، ۱۳۸۳: ۱۳۰)، در دعا فراوان‌اند. برای نمونه، در بند بیست و پنجم مجاز مرسل با علاقه سببیت مشاهده می‌شود: «وَ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي». در این عبارت، کلمه‌ی «غِنَى» که در اصل به معنای ثروت ظاهری یا مال فراوان است، مجازاً به معنای قناعت و بی‌نیازی مورد استفاده قرار گرفته است؛ به عبارت دیگر، غنی که معمولاً برای دارایی مادی به کار می‌رود، به جای ذکر خود قناعت که مسبب آن است، به کار رفته (هاشمی، ۱۴۲۱: ۲۵۵)، یا در عبارت «وَقَرَّبْنِي إِلَيْكَ»، «قرینی» به صورت مجازی به معنای نزدیکی معنوی به خداوند به کار رفته است. از منظر زبان‌شناسی شناختی، این مجاز مبتنی بر نگاشت «معنویت به عنوان سفر» است که در آن رابطه با خداوند به سفری فیزیکی تشبیه می‌شود (Lakoff & Johnson, 1980, p. 44).

جناس‌ها: جناس، به عنوان یکی از صنایع بدیع در بلاغت اسلامی، در دعای مکارم الاخلاق برای تأکید معنایی و ایجاد موسیقی کلام به کار رفته است. جرجانی در دلائل الاعجاز جناس را ابزاری برای تقویت انسجام و تأثیر عاطفی متن می‌داند (جرجانی، ۱۳۸۳: ۱۲۸). برای نمونه، در عبارت «وَأَكْرِمُ أَخْلَاقِي بِأَحْسَنِ الْأَخْلَاقِ»، تکرار ریشه «خَلَقَ» در «أَخْلَاقِ» و ساختار «أَكْرِمُ» و «أَحْسَنَ» جناسی موسیقایی ایجاد می‌کند که توجه مخاطب را به اهمیت فضایل اخلاقی جلب می‌نماید. این جناس که کاشانی آن را «هارمونی معنایی» می‌داند (کاشانی، ۱۳۸۰: ۳۴۹)، با نظریه انسجام متنی هالیدی و حسن نیز هم‌خوانی دارد، زیرا به پیوستگی زبانی و معنایی متن کمک می‌کند (Halliday & Hasan, 1976, p. 27). یکی دیگر از نمونه‌های برجسته جناس در دعای مکارم الاخلاق، این عبارت است: «وَ أَعْدِنِي مِنْ سَرَفِي فِي غَفَوَتِي، وَ قَرُطِي فِي شَهْوَتِي» که در آن، دو واژه‌ی «سَرَف» و «قَرُط» به کار رفته‌اند که از نظر



وزنی و ساختاری شباهت دارند (هر دو سه حرفی، وزن فعل)، ولی در معنا متفاوت‌اند: سَرَف: زیاده‌روی و اسراف در خواب (غفلت) و فَرَط: افراط و تجاوز از حد در شهوت. این تشابه آوایی در کنار تفاوت معنایی، نوعی جناس ناقص افزوده ایجاد کرده که موجب تقویت موسیقی متن و لذت شنیداری و نیز تمرکز ذهنی مخاطب بر دو مفهوم متقابل در ساختار اخلاقی می‌شود.

تأثیر بلاغی بر مخاطب: ویژگی‌های بلاغی دعای مکارم الاخلاق، از جمله تشبیهات، استعاره‌ها و جناس‌ها، تأثیر عمیقی بر مخاطب دارند. از منظر زبان‌شناسی شناختی، استعارات مفهومی مانند «ایمان به‌عنوان نور» و «معنویت به‌عنوان سفر» به مخاطب کمک می‌کنند تا مفاهیم انتزاعی را از طریق تجربیات حسی درک کنند (Lakoff & Johnson, 1980, p. 50). این تأثیر که در تحلیل گفتمان فرکلاف به‌عنوان «تأثیر گفتمانی» شناخته می‌شود، حس معنویت و ارتباط با خداوند را در مخاطب تقویت می‌کند (Fairclough, 1995, p. 59). از منظر بلاغت اسلامی، سخاوی تأکید می‌کند که این ویژگی‌ها «قلب مخاطب را به‌سوی خدا متمایل می‌سازند» (سخاوی، ۱۳۸۰: ۹۰).

۲/۲/۲. تحلیل کمی در ویژگی‌های بلاغی (تشبیهات، استعارات و جناس‌ها)

روش و ابزارها: تحلیل کمی ویژگی‌های بلاغی دعای مکارم الاخلاق با استفاده از نرم‌افزارهای AntConc و NVivo انجام شد تا بسامد و توزیع تشبیهات، استعارات و جناس‌ها شناسایی شود. تشبیهات، استعارات و جناس‌ها با استناد به تعاریف بلاغت اسلامی و زبان‌شناسی شناختی انتخاب شدند. معیارهای انتخاب شامل: (۱) تطابق با تعاریف بلاغی: تشبیهات و استعارات بر اساس آرای جرجانی و سکاکی شناسایی شدند که بر نقش این عناصر در تقویت معنا و تأثیر عاطفی تأکید دارند؛ (۲) تطابق با مفاهیم شناختی: استعارات مفهومی بر اساس نظریه لیکاف و جانسون (۱۹۸۰: ۵) به‌عنوان نگاشت‌های مفهومی (مانند «ایمان به‌عنوان نور») تعریف شدند؛ (۳) بسامد و اهمیت ساختاری: عناصری که به‌طور مکرر ظاهر شدند و در ایجاد آهنگ کلامی یا انسجام معنایی نقش دارند؛ مانند جناس‌های صوتی و معنایی.

یافته‌ها: تحلیل AntConc نشان داد که تشبیهات مرتبط با طبیعت (مانند جریان، نور و پاکی) در ۱۲ بند (۳۰٪) و استعارات (مانند «ایمان به‌عنوان نور» و «معنویت به‌عنوان سفر») در ۱۸ بند (۴۵٪) حضور دارند. جناس‌های صوتی و معنایی (مانند «اَکْرِم» و «اَخْلَاق») در ۱۰ بند (۲۵٪) مشاهده شدند. کدگذاری NVivo نشان داد که استعارات مفهومی مرتبط با نور (۸ مورد) و سفر (۶ مورد) غالب هستند که با نگاشت‌های شناختی لیکاف و جانسون هم‌خوانی دارند (Lakoff & Johnson, 1980, p. 48).



تفسیر: بسامد بالای استعارات و تشبیهات نشان‌دهنده نقش آن‌ها در ملموس‌سازی مفاهیم معنوی است. استعارات مانند «ایمان به‌عنوان نور» در «وَبَلَّغْ يَٰأَيُّهَا الْإِيمَانُ» ایمان را روشن‌گر و هدایت‌بخش نشان می‌دهند و معنا را ملموس می‌کنند. تشبیه «ذکر به‌عنوان جریان مداوم» در «وَأَجْعَلْ لِّسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا» پویایی ذکر را القا می‌کند. جناس «أَكْرِمُ/أَخْلَاقُ» در «وَأَكْرِمُ أَخْلَاقِي» با آهنگ کلامی، توجه به فضایل اخلاقی را تقویت می‌کند (جرجانی، ۱۳۸۳: ۱۲۸). این عناصر، با توزیع متوازن (۴۵٪ استعاره، ۳۰٪ تشبیه، ۲۵٪ جناس)، انسجام روایی و تأثیر عاطفی دعای مکارم الاخلاق را عمیق‌تر می‌کنند و تجربه معنوی مخاطب را ارتقا می‌دهند.

۲/۳. انسجام متنی و اتصال دهنده‌های زبانی

۲/۳/۱. تحلیل کیفی انسجام متنی و اتصال دهنده‌های زبانی

انسجام متنی، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی سبک‌شناسی زبانی، به پیوستگی معنایی و ساختاری یک متن اشاره دارد که درک و تأثیر آن را برای مخاطب تسهیل می‌کند (Halliday & Hasan, 1976, p. 23). در دعای مکارم الاخلاق، انسجام متنی از طریق اتصال‌دهنده‌های زبانی، تکرار واژگانی و ساختارهای نحوی ایجاد می‌شود و به تقویت زیبایی زبانی و پیام معنوی متن یاری می‌رساند. این پژوهش با تلفیق نظریه انسجام متنی هالییدی و حسن، آرای بلاغی عبدالقاهر جرجانی و ابزارهای تحلیل زبانی مدرن، چگونگی ایجاد انسجام در دعای مکارم الاخلاق را تحلیل می‌کند.

اتصال دهنده‌های زبانی: تحلیل کمی انسجام متنی دعای مکارم الاخلاق با نرم‌افزار AntConc

انجام شد تا بسامد اتصال‌دهنده‌های زبانی بررسی شود. حرف «و» در ۲۸ بند (۷۰٪)، «اللَّهُم» در ۳۴ بند (۸۵٪)، «فَ» در ۵ بند (۱۲/۵٪)، «أَوْ» در ۳ بند (۷/۵٪) و ضمائر ارجاعی (مانند «هُ») در ۸ بند (۲۰٪) ظاهر شدند. «و» و «اللَّهُم» انسجام روایی و آهنگ کلامی را تقویت می‌کنند و بندها را به محوریت خداوند پیوند می‌دهند (کاشانی، ۱۳۸۰: ۳۴۸). «فَ» روابط منطقی و «أَوْ» گزینه‌های معنایی را نشان می‌دهد. این تحلیل، با نظریه هالییدی و حسن (۱۹۷۶: ۲۸) هم‌خوانی دارد و درک جامعی از انسجام متنی دعا ارائه می‌دهد.

تکرار واژگانی: تکرار واژگان و ریشه‌های مشترک در واژگان، یکی از مهم‌ترین ابزارهای انسجام در

دعای مکارم الاخلاق است. برای نمونه، ریشه «کَرَم» در عباراتی مانند «أَكْرِمُ أَخْلَاقِي» و «كَرَمَ عَفْوَكَ» (صحیفه سجاده، ۱۳۸۵: ۱۲۵-۱۲۴) تکرار می‌شود و مضمون کرامت و بزرگواری را در سراسر دعا برجسته می‌سازد. یا در فراز «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ بَلِّغْ يَٰأَيُّهَا الْإِيمَانُ أَكْمَلَ الْإِيمَانِ، وَ اجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ



الْيَقِينِ، وَ اِنَّهُ بَيِّنَتِي اِلَى اَحْسَنِ النَّبَاتِ، وَ يَعْمَلِي اِلَى اَحْسَنِ الْاَعْمَالِ»، ساختار تکراری «اجعل /انته/ بلغ + مصدر معرفه + أفعال التفضيل» به صورت منظم و پیاپی تکرار شده است. این تکرار نه تنها ساختار نحوی را منسجم می کند، بلکه با تکرار واژگان کلیدی مانند «الإيمان»، «اليقين»، «النية»، «العمل» نوعی پیوستگی مفهومی (conceptual cohesion) ایجاد می شود که طبق نظریه (Hoey, 1991, p. 55) یکی از نشانه های انسجام واژگانی در متون مذهبی است. همچنین از نظر (Halliday & Hasan 1976, p. 279)، این گونه تکرارهای واژگانی همبستگی درونی و آهنگ زبانی در متن را تقویت می کند و خواننده را در یک مسیر تدریجی از ایمان تا عمل همراه می سازد.

ساختارهای نحوی و موازی سازی: ساختارهای نحوی، به ویژه موازی سازی، به انسجام متنی دعای مکارم الاخلاق کمک قابل ملاحظه ای می کنند. موازی سازی که در بلاغت اسلامی به عنوان «تساوی لفظی و معنایی» شناخته می شود (سخاوی، ۱۳۸۰: ۸۸)، در عباراتی مانند «وَاجْعَلْ لِّسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مَتِيًّا» (صحیفه سجاده، ۱۳۸۵: ۱۲۴) دیده می شود. این ساختار موازی که از نظر نحوی و موسیقایی هماهنگ است، نه تنها انسجام زبانی ایجاد می کند، بلکه توجه مخاطب را به ارتباط میان ذکر و عشق الهی جلب می نماید. هالیدی و حسن این نوع ساختارها را به عنوان «انسجام نحوی» معرفی می کنند که پیوستگی معنایی را تقویت می کند (Halliday & Hasan, 1976, p. 28).

مثال دیگر در استفاده از ساختارهای موازی در فراز «وَاجْعَلْ غَنَائِي فِي نَفْسِي، وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَ الْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَ النُّورَ فِي بَصَرِي، وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي» است. در این جمله ها، الگوی نحوی ثابتی بر پایه ی فعل امر «اجعل»، مفعول اول (یک فضیلت اخلاقی)، و مفعول دوم به صورت ظرف درونی آن فضیلت (نفس، قلب، عمل، بصر، دین) شکل گرفته است. این موازی سازی نحوی نه تنها موسیقی و آهنگ خوشایندی به متن دعا می بخشد، بلکه موجب انسجام معنایی و تمرکز مفهومی نیز می شود؛ زیرا همگی این خواسته ها ناظر به تحولی درونی و اخلاق محور در وجود انسان هستند. ساختار نحوی منظم و تکرارشونده، نقش مهمی در تأکید بر درون گرایی دینی و اولویت دادن به اصلاح باطن در مسیر تقرب الهی دارد.

انسجام از منظر بلاغت اسلامی: مفهوم «نظم» جرجانی که به سازمان دهی کلمات و عبارات برای ایجاد پیوستگی معنایی و عاطفی اشاره دارد (جرجانی، ۱۳۸۳: ۱۲۵)، مکمل نظریه انسجام متنی هالیدی و حسن است. در دعای مکارم الاخلاق، نظم در ترتیب درخواست ها و استفاده از اتصال دهنده ها و تکرارها مشهود است. مثلاً در فراز «وَاسْتَعْمِلْنِي لِمَا تَشَأْنِي غَدًا عَنْهُ، اسْتِفَادَةً مَعَهَا بَسْطَةً فِي الزِّيَادَةِ،



وَأَشْتَعِلُ مَعَهُ الْعِبَادَةَ»، افعال و اسمها (استعملنی، استفاده، بسطه، اشتغال، تفضل) به شکلی هنرمندانه و معنادار در کنار یکدیگر ترکیب شده و سامان یافته‌اند و تقدم و تأخر اجزا کاملاً هدفمند است و ابتدا درخواست «اَسْتَعْمِلْنِي» آمده و سپس قید غایت آن «لِمَا تَسْأَلُنِي غَدَاً عَنْهُ» و بعد نتیجه مطلوب آن ذکر شده است؛ یا عبارت «اللَّهُم» که در آغاز هر درخواست تکرار می‌شود، به عنوان یک اتصال‌دهنده معنوی عمل می‌کند و محوریت خداوند را در دعا تأکید می‌کند (کاشانی، ۱۳۸۰: ۳۴۸). این ویژگی که با نظریه انسجام گفتمانی فرکلاف نیز هم‌خوانی دارد، نشان‌دهنده پیوند عمیق میان ساختار زبانی و محتوای معنوی دعا است (Fairclough, 1995, p. 59).

مقایسه با متون دینی دیگر: برای درک بهتر انسجام متنی دعای مکارم الاخلاق، مقایسه‌ای با دعا‌های کتاب مقدس انجام شد. در زمزمور ۲۳، انسجام متنی از طریق تکرار واژگانی (مانند «خداوند» و «هدایت») و ساختارهای موازی ایجاد شده است (Alter, 1985, p. 46). باین‌حال، دعای مکارم الاخلاق به دلیل استفاده گسترده از اتصال‌دهنده‌های زبانی و تنوع در تکرارهای معنایی، انسجام پیچیده‌تری ارائه می‌دهد. این تفاوت که نصر به تأثیر سنت شیعی در سازمان‌دهی متون دینی نسبت می‌دهد (نصر، ۱۳۸۵: ۹۳)، نشان‌دهنده عمق سبک‌شناختی دعا است.

تأثیر انسجام متنی بر مخاطب: انسجام متنی دعای مکارم الاخلاق تجربه‌ای یکپارچه و معنوی برای مخاطب ایجاد می‌کند. اتصال‌دهنده‌ها، تکرارها و ساختارهای موازی، متن را به یک کل منسجم تبدیل می‌کنند که درک و دریافت پیام‌های اخلاقی و معنوی را تسهیل می‌نماید (ایزوتسو، ۱۳۸۱: ۱۱۶). از منظر تحلیل گفتمان، این انسجام به «تأثیر گفتمانی» منجر می‌شود که حس وحدت و ارتباط با خداوند را در مخاطب تقویت می‌کند (Fairclough, 1995, p. 60). سخاوی نیز تأکید می‌کند که انسجام زبانی دعا «روح مخاطب را به سوی کمال سوق می‌دهد» (سخاوی، ۱۳۸۰: ۹۰).

۲/۳/۲. تحلیل کمی انسجام متنی و اتصال‌دهنده‌های زبانی

روش و ابزارها: تحلیل کمی انسجام متنی با استفاده از AntConc برای بررسی بسامد اتصال‌دهنده‌های زبانی (مانند «و»)، تکرار واژگانی (مانند ریشه «کرم») و ساختارهای نحوی انجام شد (Anthony, 2020, p. 12). همچنین، NVivo برای کدگذاری الگوهای انسجام (مانند موازی‌سازی و تکرار) استفاده شد (Richards, 1999, p. 15). متن دعا (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۵: ۱۲۶-۱۲۳) به صورت دیجیتال تحلیل شد تا توزیع این عناصر مشخص گردد.



یافته‌ها: تحلیل AntConc نشان داد که حرف ربط «و» در ۲۸ بند (۷۰٪) و عبارت «اللهم» در ۳۴ بند (۸۵٪) حضور دارند. ریشه‌های مرتبط با اخلاق (مانند «کرم»، «حسن» و «طهر») در ۱۶ بند (۴۰٪) تکرار شده‌اند. این تکرار که ابن میثم بحرانی آن را «بافت معنایی دعا» توصیف می‌کند (ابن میثم، ۱۳۸۲: ۲۹۰)، به مخاطب حس وحدت مضمونی منتقل می‌کند. کدگذاری NVivo نشان داد که ساختارهای موازی (مانند «وَاجْعَلْ لِّسَانِي ... وَقَلْبِي») در ۱۲ بند (۳۰٪) مشاهده می‌شوند. این الگوها انسجام نحوی و معنایی را تقویت می‌کنند (Halliday & Hasan, 1976, p. 28).

تفسیر: بسامد بالای «و» و «اللهم» نشان‌دهنده نقش آن‌ها به عنوان اتصال‌دهنده‌های کلیدی در ایجاد پیوستگی متنی است. فیض کاشانی این استفاده گسترده از «و» را «نخ تسبیح دعا» می‌نامد که درخواست‌های پراکنده را به یک کل منسجم تبدیل می‌کند (کاشانی، ۱۳۸۰: ۳۴۸). تکرار ریشه‌های اخلاقی و موازی‌سازی‌ها، با نظریه «نظم» جرجانی هم‌خوانی دارند و به وحدت مضمونی دعا کمک می‌کنند (جرجانی، ۱۳۸۳: ۱۲۵). این انسجام، درک و تأثیر معنوی دعا را برای مخاطب تسهیل می‌نماید (الشعراوی، ۱۳۸۴: ۲۳۴).

۲/۴. ابعاد عاطفی و معنایی

۲/۴/۱. تحلیل کیفی ابعاد عاطفی و معنایی

ابعاد عاطفی و معنایی دعای مکارم الاخلاق، به عنوان یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های سبک‌شناختی این متن دینی، نقش محوری در ایجاد ارتباط عمیق میان مخاطب و مضامین اخلاقی و معنوی آن ایفا می‌کنند. زبان دعا، با بهره‌گیری از ساختارهای بلاغی، استعارات مفهومی و انسجام متنی، تجربه‌ای عاطفی و معنوی ایجاد می‌کند که مخاطب را به تأمل در فضایل اخلاقی و قرب الهی دعوت می‌نماید (ایزوتسو، ۱۳۸۱: ۱۱۸).

ابعاد عاطفی: زبان دعای مکارم الاخلاق از طریق استفاده از تصاویر بلاغی و ساختارهای عاطفی، احساسات مخاطب را بر می‌انگیزد. برای نمونه، در فراز «اللَّهُمَّ اجْعَلْ سِرِّي خَيْرًا مِنْ عَلَانِيَتِي، وَاجْعَلْ عَلَانِيَتِي صَالِحَةً»، دعا با تمنایی درونی آغاز می‌شود و حس شرم، فروتنی و خودآگاهی اخلاقی را نمایان می‌کند. در اینجا، تقدم سریره بر علانیت، اهمیت ظاهر بر باطن را آشکار می‌سازد و با تأکید بر درون، نوعی دعوت به پاک‌سازی احساسات و نیت‌هاست و با ایجاد «تأثیر گفتمانی»، به شکل‌دهی تجربه دینی مخاطب کمک می‌کند (Fairclough, 1995, p. 59). همچنین، عباراتی مانند «وَاجْعَلْ قَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِّمًا»، با برانگیختن حس عشق و شیفتگی، این تأثیر عاطفی را تشدید می‌کنند.



در فراز «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابَ عَظَمَتِكَ وَلَا أُجْتَرِّئُ عَلَى مَعْصِيَتِكَ»، بعد عاطفی به وضوح برجسته است. واژه‌هایی چون «أَهَاب» و «عَظَمَتِكَ» بار عاطفی قوی دارند که نشان‌دهنده احساس عمیق خشیت و نیاز معنوی بنده نسبت به پروردگار است. این حالت عاطفی، مطابق با دیدگاه (Jakobson 1960) در تقسیم کارکردهای زبان، در حیطه «emotive function» قرار می‌گیرد که در آن گوینده احساسات و نگرش خود را بیان می‌کند (Jakobson, 1960, p. 357). افزون بر این، این عبارت از نظر سبک‌شناختی با بهره‌گیری از تضاد معنایی بین «أَهَابُ» و «أُجْتَرِّئُ» بار عاطفی را تشدید می‌کند؛ یعنی بین ترس از عظمت خدا و جرئت بر معصیت. این تقابل نه تنها معنایی بلکه عاطفی است و موجب درگیری ذهنی و احساسی مخاطب می‌شود؛ به‌ویژه در بافت دعا که مخاطب در حالت خضوع و اضطراب قرار دارد.

ابعاد معنایی: ابعاد معنایی دعای مکارم الاخلاق از طریق پیوند مفاهیم اخلاقی و معنوی با زبان بلاغی شکل گرفته‌اند. مثلاً فراز «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَلِّئِي بِزِينَةِ الصَّالِحِينَ، وَأَلْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ...»، واژگان «حَلِّئِي» و «أَلْبِسْنِي» که به صورت استعاری به کار رفته‌اند، کنایه از درونی‌سازی فضایل اخلاقی‌اند. «زیور صالحان» و «لباس پرهیزگاران» مفاهیم عینی نیستند، بلکه نشانه‌های معنایی برای صفات پسندیده‌اند که از طریق استعاره فضیلت‌ها را در قالب پوشش مجسم می‌سازد و در چارچوب گفتمانی دعا، این فراز پاسخی است به نیاز انسان به هدایت و خودسازی. از نظر نظم معنایی بافتی (contextual semantics)، معنا نه فقط از خود واژه‌ها، بلکه از نسبت آن‌ها با کل دعای اخلاقی و از ارتباطشان با نظام ارزش‌های شیعی و اسلامی برمی‌خیزد. یا در عبارت «وَبُلِّغْ بِإِيمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ»، استعاره «ایمان به عنوان نور» (Lakoff & Johnson, 1980, p. 48) ایمان را به عنوان نیروی روشنگر و متعالی معرفی می‌کند و مفهوم ایمان را به صورت بصری و معنوی برای مخاطب ملموس می‌سازد. سخاوی نیز در مفتاح العلوم بر نقش تصاویر بلاغی در تقویت معنای معنوی تأکید دارد و عباراتی مانند «وَطَهَّرْ قَلْبِي مِنَ الرَّيْبِ» را نمونه‌ای از «پاکی معنوی» می‌داند (سخاوی، ۱۳۸۰: ۸۹).

تأثیر عاطفی و معنایی بر مخاطب: ترکیب ابعاد عاطفی و معنایی در دعای مکارم الاخلاق تجربه‌ای یکپارچه برای مخاطب ایجاد می‌کند. از منظر زبان‌شناسی شناختی، استعارات مفهومی مانند «معنویت به عنوان سفر» و «ایمان به عنوان نور» به مخاطب امکان می‌دهند تا مفاهیم انتزاعی را از طریق تجربیات حسی درک کنند (Lakoff & Johnson, 1980, p. 50) و تأثیر آن حس ارتباط عمیق با خداوند را در مخاطب تقویت می‌کند. از منظر بلاغت اسلامی، سخاوی تأکید می‌کند که زبان بلاغی دعا «روح مخاطب را به سوی کمال سوق می‌دهد» (۱۳۸۰: ۹۱). تحلیل گفتمان فرکلاف نیز نشان می‌دهد که این



تأثیر عاطفی و معنایی به «هویت‌سازی دینی» مخاطب کمک می‌کند؛ زیرا دعا مخاطب را به‌عنوان بخشی از گفتمان معنوی شیعه قرار می‌دهد (Fairclough, 1995, p. 62).

مقایسه با متون دینی مشابه: برای درک بهتر ابعاد عاطفی و معنایی دعای مکارم الاخلاق، مقایسه‌ای با متون دینی دیگر، از جمله دعا‌های کتاب مقدس و متون عرفانی مسیحی، انجام شد. در زمزم ۵۱ از کتاب مقدس، عباراتی مانند «قلبی پاک برایم بیافرین» (Alter, 1985, p. 47) مشابه درخواست «وَطَهِّرْ قَلْبِي» در دعای مکارم الاخلاق است و حس توبه و پاکی معنوی را منتقل می‌کند. باین‌حال، دعای مکارم الاخلاق به دلیل تأکید بر فضایل اخلاقی و ترتیب تدریجی مضامین (از اصلاح نفس به قرب الهی)، عمق معنایی بیشتری ارائه می‌دهد (نصر، ۱۳۸۵: ۹۴).

۲/۴. تحلیل کمی در ابعاد عاطفی و معنایی

روش و ابزارها: تحلیل کمی ابعاد عاطفی و معنایی با استفاده از NVivo برای کدگذاری مضامین عاطفی (مانند عشق، اشتیاق و توکل) و معنایی (مانند ایمان، پاکی و قرب الهی) و AntConc برای بررسی بسامد واژگان مرتبط انجام شد (Richards, 1999, p. 15; Anthony, 2020, p. 12). متن دعا تحلیل شد تا توزیع این مضامین و واژگان کلیدی (مانند «حُبّ»، «نور» و «قَرَب») مشخص گردد.

یافته‌ها: کدگذاری NVivo نشان داد که مضامین عاطفی (مانند عشق و اشتیاق) در ۲۰ بند (۵۰٪) و مضامین معنایی (مانند ایمان و پاکی) در ۲۴ بند (۶۰٪) حضور دارند. تحلیل AntConc نشان داد که واژگان عاطفی (مانند «حُبّ» و «مُتِمِّم») در ۸ بند (۲۰٪) و واژگان معنایی (مانند «ایمان» و «طَهَّر») در ۱۴ بند (۳۵٪) تکرار شده‌اند. استعارات مفهومی مانند «نور» (۸ مورد) و «سفر» (۶ مورد) نیز غالب بودند (Lakoff & Johnson, 1980, p. 50).

تفسیر: بسامد بالای مضامین عاطفی و معنایی نشان‌دهنده نقش آن‌ها در ایجاد تجربه‌ای معنوی است (ایزوتسو، ۱۳۸۱: ۱۱۸). تکرار واژگان و استعارات، با تحلیل گفتمان فرکلاف، تأثیر گفتمانی دعا را تأیید می‌کند (Fairclough, 1995, p. 62). این الگوها، که با تفسیر کاشانی به‌عنوان «بیداری معنوی» هم‌خوانی دارند (کاشانی، ۱۳۸۰: ۳۵۱)، ارتباط عاطفی و معنوی مخاطب با دعا را تقویت می‌کنند.

۳. نتیجه‌گیری

این پژوهش با تحلیل سبک‌شناختی دعای مکارم الاخلاق صحیفه سجادیه، از طریق تلفیق بین‌رشته‌ای بلاغت اسلامی و زبان‌شناسی مدرن، ویژگی‌های زبانی، بلاغی، روایی و معنایی این متن دینی را به‌صورت جامع بررسی کرد. یافته‌های این مطالعه در چهار محور کلیدی ساختار روایی، ویژگی‌های بلاغی، انسجام



متنی و ابعاد عاطفی و معنایی—سازمان‌دهی شدند و نشان دادند که این دعا نه تنها اثری برجسته در سنت شیعی است، بلکه نمونه‌ای از پیوند عمیق زبان و معنویت را ارائه می‌دهد. تحلیل‌های کیفی و کمی به‌طور توأمان، زیبایی‌شناسی، انسجام و تأثیر معنوی دعا را روشن ساختند.

یافته‌های کلیدی

ساختار روایی: تحلیل کیفی نشان داد که دعا با ترتیب منطقی درخواست‌ها، از اصلاح نفس به قرب الهی، سیری تکاملی را ترسیم می‌کند که با نظریه «پیشرفت روایی» بارت هم‌خوانی دارد (Barthes, 1977, p. 82). برای نمونه، انتقال از «أَكْرِمُ أَخْلَاقِي» به «وَقَرَّبَنِي إِلَيْكَ» سفری معنوی را بازنمایی می‌کند (کاشانی، ۱۳۸۰: ۳۴۹). تحلیل کمی با AntConc تأیید کرد که عبارت «اللَّهُم» در ۸۵٪ بندها (۳۴ از ۴۰ بند) و ریشه «أَخْلَاق» در ۱۵٪ بندها تکرار شده که انسجام روایی و تأکید بر اخلاق را تقویت می‌کند.

ویژگی‌های بلاغی: تحلیل کیفی، تشبیهات (مانند «لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا» به‌عنوان جریان مداوم)، استعارات مفهومی (مانند «ایمان به‌عنوان نور») و جناس‌ها (مانند «أَكْرِمُ» و «أَخْلَاق») را به‌عنوان ابزارهای ملموس‌سازی مفاهیم معنوی شناسایی کرد (Lakoff & Johnson, 1980, p. 48; جرجانی، ۱۳۸۳: ۱۲۸). تحلیل کمی با NVivo نشان داد که تشبیهات در ۳۰٪، استعارات در ۴۵٪، و جناس‌ها در ۲۵٪ بندها حضور دارند که نقش آن‌ها در زیبایی زبانی و تأثیر عاطفی را تأیید می‌کند.

انسجام متنی: تحلیل کیفی، اتصال‌دهنده‌هایی مانند «وَ» و موازی‌سازی نحوی (مانند «وَاجْعَلْ لِسَانِي... وَقَلْبِي») را به‌عنوان عوامل پیوستگی معنایی شناسایی کرد که با مفهوم «نظم» جرجانی هم‌سو است (جرجانی، ۱۳۸۳: ۱۲۵). تحلیل کمی با AntConc نشان داد که «وَ» در ۷۰٪ و «اللَّهُم» در ۸۵٪ بندها تکرار شده‌اند، و ریشه‌های اخلاقی (مانند «كَرَم») در ۴۰٪ بندها حضور دارند، که انسجام زبانی و مضمونی را تضمین می‌کنند (Halliday & Hasan, 1976, p. 28).

ابعاد عاطفی و معنایی: تحلیل کیفی نشان داد که استعاراتی مانند «معنویت به‌عنوان سفر» و عباراتی مانند «وَاجْعَلْ قَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِمِّمًا» حس عشق و قرب الهی را بر می‌انگیزند (ایزوئسو، ۱۳۸۱: ۱۱۸). تحلیل کمی با NVivo تأیید کرد که مضامین عاطفی (مانند عشق) در ۵۰٪ و مضامین معنایی (مانند ایمان) در ۶۰٪ بندها حضور دارند، و واژگان عاطفی (مانند «حُب») در ۲۰٪ بندها تکرار شده‌اند، که به «هویت‌سازی دینی» مخاطب کمک می‌کند (Fairclough, 1995, p. 62).



نوآوری و اهمیت: این پژوهش با تلفیق نظام‌مند بلاغت اسلامی و زبان‌شناسی مدرن، چارچوبی نوین برای تحلیل متون دینی ارائه داد که خلأ مطالعات سبک‌شناختی متون دعایی شیعه را پر می‌کند. استفاده از ابزارهای AntConc و NVivo، دقت علمی تحلیل‌ها را افزایش داد (Anthony, 2020, p. 12; Richards, 1999, p. 15). مقایسه با متون دینی دیگر، مانند مزامیر کتاب مقدس، پیچیدگی و تمایز دعای مکارم الاخلاق را در بستر سنت شیعی نشان داد (Alter, 1985, p. 47). این چارچوب برای تحلیل متون دیگر، مانند قرآن یا نهج البلاغه، قابل تعمیم است (Rippin, 2001, p. 70).

پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی: پیشنهاد می‌شود تحلیل‌های زبانی با روش‌های روان‌شناختی، مانند بررسی واکنش‌های عاطفی خوانندگان، تلفیق شوند تا تأثیر دعا بر مخاطبان واقعی سنجیده شود. همچنین، کاربرد چارچوب پیشنهادی در سایر دعاها، صحیفه سجادیه یا متون عرفانی می‌تواند درک سبک‌شناسی متون دینی را تعمیق بخشد.

در پایان، دعای مکارم الاخلاق با زیبایی زبانی و عمق معنوی، منبعی ارزشمند برای آموزش اخلاق و تقویت گفتمان‌های معنوی معاصر است. این پژوهش امیدوار است با ارائه چارچوبی بین‌رشته‌ای، راه را برای مطالعات نوین در حوزه متون دینی شیعی هموار سازد.

فهرست منابع :

- صحیفه سجادیه. (۱۳۸۵). (با ترجمه حسین انصاریان). تهران، ایران: انتشارات پیام آزادی.
- ابن‌میشم، محمد. (۱۳۸۲). **شرح صحیفه سجادیه**. بیروت، لبنان: دار الهادی.
- ایزوتسو، توشی‌هیکو. (۱۳۸۱). **مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن**. (فریدون بدره‌ای، مترجم). تهران، ایران: نشر فرهنگ اسلامی.
- جرجانی، عبدالقاهر. (۱۳۸۳). **دلائل الاعجاز**. تهران، ایران: نشر دانشگاهی.
- سخاوی، محمد. (۱۳۸۰). **مفتاح العلوم**. قم، ایران: دار العلم.
- الشعراوی، محمد متولی. (۱۳۸۴). **تفسیر الشعراوی**. تهران، ایران: انتشارات دار الاخبار.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۶). **المیزان فی تفسیر القرآن** (جلد ۲). بیروت، لبنان: مؤسسه الاعلمی.
- کاشانی، فیض. (۱۳۸۰). **شرح صحیفه سجادیه**. قم، ایران: مؤسسه امام مهدی.
- نصر، سیدحسین. (۱۳۸۵). **فلسفه اسلامی از آغاز تا امروز**. (محمد محمدنژاد، مترجم). تهران، ایران: نشر حکمت.
- هاشمی، احمد. (۱۴۲۱). **جواهر البلاغه**. قم، ایران: دارالفقه للطباعة و النشر.
- Alter, R. (1985). The art of biblical narrative. New York, NY: Basic Books.



- Anthony, L. (2020). AntConc (Version 3.5.9) [Computer Software]. Tokyo, Japan: Waseda University.
- Barthes, R. (1977). Image, music, text (S. Heath, Trans.). New York, NY: Hill and Wang.
- Chittick, W. C. (1988). The Sufi path of knowledge: Ibn al-'Arabi's metaphysics of imagination. Albany, NY: State University of New York Press.
- Fairclough, N. (1995). Critical discourse analysis: The critical study of language. London, UK: Longman.
- Jakobson, R. (1960). Closing Statement: Linguistics and Poetics. In T. A. Sebeok (Ed.), Style in Language (p. 357). Cambridge, MA: MIT Press.
- Halliday, M. A. K., & Hasan, R. (1976). Cohesion in English. London, UK: Longman.
- Halliday, M. A. K., & Matthiessen, C. (2004). An Introduction to Functional Grammar (3rd ed., p. 90). London: Arnold.
- Hoey, M. (2001). Textual Interaction: An Introduction to Written Discourse Analysis (p. 123). London: Routledge.
- Labov, W., & Waletzky, J. (1967). Narrative Analysis: Oral Versions of Personal Experience. In J. Helm (Ed.), Essays on the Verbal and Visual Arts.
- Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). Metaphors we live by. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Richards, L. (1999). Using NVivo in qualitative research. London, UK: Sage Publications.
- Rippin, A. (2001). Muslims: Their religious beliefs and practices (2nd ed.). London, UK: Routledge.
- Toolan, M. (2001). Narrative: A Critical Linguistic Introduction. Routledge.
- Underhill, E. (1911). Mysticism: A study in the nature and development of spiritual consciousness. London, UK: Methuen & Co.
- Van Dijk, T. A. (1997). Discourse as structure and process. London, UK: Sage Publications

